فهرست شد.
حلیم
۱۶۷



چهار یار ... خبر اصلاح ... بازگشت یا بولایت ...

بازگشت و در سنه ۹۳۲ مرتبه پنجم در دهلی آمده با ... راجه دهلی وغیره که با جمعیت

۴۲۹

بودند و در کبری آمد و شد ایشان منقطع شد مگر در غار سر من رأی زیارت
گاه خلایق است و او در شهر سامره آمده و احیاناً تا سعادتمندی بدیدار همایونش
مستعد گردیده است اللهم ارزقنا یعنی ای بار خدایا مرا روزی گردان
از دیدار شریفش تمت تمام بتاریخ ششم رجب ۱۲۳۱ هجری روز سه شنبه بعد از ظهر
در محله علیا آباد عرف دو کاکوانه برائی خاطر نور چشم عزیز از جان میر محمد رضا خان طول عمره
بخط اضعف العباد گنهگار سید عسکری خان نوشته شد ۞ الهی بحق بنی فاطمه
که بر قول ایمان کنی خاتمه ۞ اگر دعوتم رد کنی ور قبول ۞ من و دست و دامان آل رسول
کریما ببخشای بر حال ما ۞ که هستم اسیر کمند هوا ۞ نداریم غیر از تو فریاد رسی ۞ توئی
عاصیان را خطا بخش و بس ۞ نوشته بماند سیه بر سفید ۞ نویسنده را نیست فردا امید

مجملی از حالات شاهان طیموریه

امیر تیمور صاحب قران بادشاه اولو العزم و بغایت شجاع بود بعد از محاربات
بسیار تمامی مملکت ایران و توران را مسخر ساخت جانب روم نهضت فرمود با ایلدرم
بایزید قیصر روم جنگ نموده او را دستگیر ساخت و او در اسیری بمرد و پسرش را قائم مقام
پدر ساخت بسمت شام معاودت نمود بعد از محاربات آن ملک را نیز مفتوح ساخت بطرف هندوستان
مراجعت نمود و با سلطان محمود بن فیروز شاه که بادشاه دهلی بود محاربه نموده او را شکست داد
و خضر خان را نایب خود مقرر نموده بطرف ولایت خود مراجعت نمود بعد از سی و پنج
سال سلطنت در هشتصد و هفت وفات یافت و بعد از و میران شاه پسرش و پس او پسرش
سلطان محمد و بعد از و ابو سعید میرزا پسرش و بعد او عمر شیخ میرزا و بعد از و
محمد بابر میرزا اولادش در مدت در ولایت بتدریج سلطنت کردند آخر محمد بابر میرزا
چهار بار در هندوستان بعزم تسخیر آمد بعد از محاربات شکست یافته بولایت خود
بازگشت و در سنه ۹۳۲ مرتبه پنجم در دهلی آمده با پتهان راجه دهلی وغیره که با جمعیت

صد هزار کس بودند و با پنجهزار کس آمده محاربه عظیم ایشان بیان آمد آخر الشان بابر

هزیمت داده و ابراهیم دهلی را بقتل آورد و بقیة السیف رو بگریز نهادند

و خود بر تخت دهلی جلوس فرمود و ظهیر الدین محمد بابر بعد از انتقال نصیر الدین محمد

همایون را که اسن اولاد او بود ولی عهد ساخته در سنه ۹۳۷ وفات یافت نصیر الدین محمد

همایون بعد از پدر قایم مقام شد و از تنازع برادران با شیر خان افغان که آخر

بشیر شاه موسوم گردید جنگ نموده شکست یافته در ایران به پادشاه صفویه پناه برد

و بعد از مدتی به خود که سلطان مراد نام داشت و دو ساله بود با فوجی عظیم بمدد ایشان

روانه ساخت نصیر الدین محمد همایون در هندوستان آمده بعد از محاربات بسیار فتح یافته

مرتبه دویم بر تخت دهلی جلوس کرد و در سنه ۹۶۳ جلال الدین محمد اکبر را ولی عهد کرده جهان

فانی را بدرود کرد مدت سلطنتش هبت و جلال الدین محمد اکبر بغایت شجاع

یعنی رحمت

بود در سن دوازده سالگی بر تخت دهلی جلوس نمود و هیمون بقال که وزیر شاه بود

محاربه نموده دستگیر ساخته از دست خود بجهنم فرستاده فرمود که در القاب ما ملقب غازی بنویسند

و صوبه کشمیر و گجرات را جلو ریز فتح نموده در تصرف خود آورد و دیگر صوبجات شرقی و جنوبی را

مفتوح

۳۷

مفتوح ساخت و در سنه ۱۰۱۴ نورالدین محمد جهانگیر را ولی عهد نموده جهان فانی را
وداع کرد ایام سلطنتش پنجاه سال نورالدین محمد جهانگیر غازی بغایت عادل بود و سیر
و شکار رغبتی تمام داشت چنانچه هر سال بکشمیر برائی سیر میرفت آخر بمرض سلسل بول در سنه ۱۰۳۷
ابوالمظفر شهاب الدین شاهجهان را ولی عهد ساخته وفات یافت مدت حکومتش بیست و دو سال
ابوالمظفر شهاب الدین شاهجهان بادشاه غازی بغایت شجاع و عادل و اولوالعزم بود
چنانچه پسر خود سلطان مراد بخش را با فوج قاهره به تسخیر بلخ و بدخشان فرستاد مراد بخش سلطان
نذر محمد خان و عبدالعزیز خان بادشاهان انجا را بعد از محاربات شکست داده سکه و خطبه
بنام بادشاه جمجاه نمود و از باعث ناموافقت آب و هوا برخصت حضور برجوع آبائی بوس
سریر اعلی رسید بادشاه برو اعتراضی فرموده محمد اورنگزیب را با فواج متکاثره بعزم
تسخیر بلخ و بدخشان فرستاد بر جنب محمد اورنگزیب محاربات بسیار نموده بجایی رسید
و بادشاهان دکهن را مطیع خود ساخته سکه و خطبه خود در ملک ایشان نمود آخر در سنه ۱۰۶۶
وفات یافت و نود و دو کرور روپیه در خزانه خود موجود داشت مدت حکومتش سی و دو سال
ابوالعدل محیی الدین محمد اورنگزیب عالمگیر بادشاه غازی در سن چهل سالگی

۴۳۳

بر تخت نشسته هر سه برادران دارا شکوه و شجاع و مراد بخش را کشته متوجه تسخیر
دکهن شدند و با پادشاهان آنجا محاربات نموده بقتل رسانید و تمامی ملک دکهن را مسخر نموده
بتصرف خود در آورد و در سنه ۱۱۱۹ بعد از سلطنت پنجاه و دو سال وفات یافت ابو المظفر
قطب الدین بهادر شاه بعد از پدر بر تخت نشسته هر دو برادر خود اعظم شاه و کام بخش را
بعد از محاربات بقتل آورد و در عهد او سکهان قوت تمام پیدا کرده خروج نمودند
رستم دل خان را با امرای دیگر تعین فرمودند وی با ایشان جنگ نموده اسیر ساخته بحکم
شهریاری همه را بقتل آوردند آخر در سنه ۱۱۲۲ وفات یافت ملکش پنجسال معز الدین جهاندار شاه
هر سه برادر عظیم الشان و رفیع الشان و جهان شاه را بعد از محاربات بقتل آورده
بر تخت نشست و محمد فرخ سیر از عظیم آباد عبد الله خان قطب الملک و امیر الامرا
حسین علیخان را با خود متفق کرده عم خود جهاندار شاه را بقتل آورد ملکش ده ماه
محمد فرخ سیر در سنه ۱۱۲۳ بر تخت دهلی جلوس فرمود بغایت ظالم بود در زمان او سکهان
شورش تمام آوردند نواب عبد الصمد خان را بجنگ ایشان فرستاد سرداران ایشان را
گرفته گوبند سکه را مع اقوامش بعد از محاربات دستگیر ساخته بحضور آورده دیقر ما واجب ... الافغان

همه نقل

همه را بقتل آوردند واعتقاد خان کشمیری ومنعم خان را بحبس آورده ازین جهت

باعبدالله خان وحسین علیخان نزاع افتاده بود وبرادر شفیق شده در ۱۱۳۰ سنه اورا

باصبح وجهی بقتل آوردند رفیع القدر ابن رفیع الشان را بر تخت نشاندند واو مدت فوق

بعد از سه ماه فوت شد برادرش ابوالبرکات رفیع الدرجات را بر تخت نشاندند واو مسلول بود

او نیز بعد سه ماه وفات یافت ناصر الدین محمد شاه بادشاه غازی ابن جهان شاه بر تخت

دهلی جلوس فرمود محمد امین خان باشاره بادشاه عبدالله خان وحسین علیخان را بعد از

محاربات بقتل آوردند وقلمدان وزارت باو عطا فرمودند بعد از فوت او بسرش اعتماد الدوله

قمر الدین خان را خلعت چهارقب وقلمدان وزارت بخشیدند ودر ۱۱۵۱ سنه نادر شاه بعزم

تسخیر دهلی آمده ومحمد شاه باوزرا وامرائی خود کوچ فرموده در کرنال نزول اجلال فرمود

وبعد از تلاقی فریقین امیر الامرا خان دوران خان در محاربه بقتل آمد وخلعت بخشی گری

باصف جاه مرحمت شد وبادشاه بعد از قتل میر بخشی مقتول مصالحه نموده بانادر شاه بطرف دهلی

مراجعت فرمودند وبسبب بعضی امور ناشایسته در دهلی قتل عام واقع شد نادر شاه بعد از چند روز

در هفتم صفر ۱۱۵۲ سنه بولایت خود معاودت نمود ودر ۱۱۶۱ سنه احمد شاه درانی به تسخیر

دهلی آمده محمد شاه پسر خود احمد شاه را با اعتماد الدوله دیگر امرایان بمحاربه ایشان

فرستاد و خود مریض بود احمد شاه مقابل لشکر درانی نزول نموده و بتقضای آسمانی

اعتماد الدوله بضرب گوله توپ شهید شدند معین الملک پسرش در همان گرمی سوار شده

احمد شاه درانی را منهزم ساخته مظفر و منصور بازگشت و بادشاه در ۱۱۶۱ سنه بعد از فتح

بدار البقا رحلت نمود احمد شاه بعد از واقعه هایله پدر بر تخت نشست و صفدر جنگ را

خلعت وزارت بخشیدند در عهد ایشان جاوید خان خواجه سرا که به نواب بهادر

اشتهار داشت تسلط تمام بهم رسانید صفدر جنگ او را به بهانه بنش خود طلبیده بکشت و خود هم

از انتظام الدوله پسر قمر الدین خان و عماد الملک نبیره نظام الملک محاربه نموده شکست یافته

بصوبه خود مراجعت نمود و انتظام الملک الدوله و عماد الملک منصب وزارت و

امیر الامرائی یافتند عاقبت محمود کشمیری که اتالیق عماد الملک بود احمد شاه را با مادرش

در ۱۱۶۵ سنه مکحول ساخته محبوس کرد و عزیز الدین عالمگیر ثانی بن معز الدین جهاندار شاه را

بر تخت نشاند عماد الملک از این حرکت ناشایسته او را بقتل آورد و عزیز الدین عالمگیر ثانی باد شاه

متحمل بود و برد بار و در عهد او عماد الملک خلعت وزارت یافت و در ۱۱۶۷ سنه جلوس احمد شاه

در [illegible] سنه

درانی به تسخیر دهلی آمده شهر را مسخر ساخت و اموال متکاثره از شهر گرفته بوطن
خود مراجعت نمود و بادشاه را بحال خود گذاشت آخر در ۱۱۷۳ السنه بالا باشخان و مهدی قلیخان
بادشاه را به بهانه فقیری تقلوه فیروز شاه برده بخنجری مجروح ساخته از بالا بزیر انداختند
و نعش آنرا دستگیر نموده اسیر کردند و سنکی پسر سلطان محی السنه ابن کام بخش را
بتخت نشاندند و ملقب بشاهجهان ثانی کردند در زمان او احمد شاه درانی در دهلی آمده شهر ده
روز قتل و غارت نمودند نواب عماد الملک به جاٹ رفتند و احمد شاه مذکور از شهر بیرون
رفت و بهاؤ بهار راجهای دیگر و افواج متکاثره از دکهن آمده با احمد شاه درانی جنگ نموده
بقتل آمد و بقیة السیف منهزم شده باطراف عالم پراگنده شدند و بسعی خواجه محمود خان
ابن خواجه نصیر الدین خان از بهاؤ بوعده یک کرور روپیه شاهجهان را خلع نموده جهاندار شاه
مرزا جوان بخت پسر شاه عالم را ولی عهد ساخته بر تخت دهلی نشاندند ابو العزم فروح الدین شاه
عالم بادشاه غازی که در حین حیات پدر باغی شده بطرف عظیم آباد نهضت فرموده بودند و با
راجه رام نراین صوبه دار آنجا باتفاق اعتقاد الدوله مکارم خان میتی و محمد قلیخان
دمرالو جنگ بهار به عمده قلعه را محاصره کرده جنگهای متواتر نمود راجه رام نراین

عاجز آمده پیغام مصالحه نموده بپابوس سریر اعلی حاضر شد و وعده خالی کردن
شهر و قلعه نموده و بخلعت سرفراز شده مرخص گردید و وعده بر طاق نسیان نهاده
شهر را مضبوط ساخت درین اثنا خبر جانگزای پدرش عالمگیر رسیده در سنه ۱۱۷۳ بر تخت نشست
و صاحبان انگریز نواب میر محمد قاسم خان را که صوبه دار بنگاله و بهار بود همراه آورده
بپایه سریر اعلی رسانیدند نذرهای شاهانه گذرانیده خلعت و خطاب عالیجاه یافته و صاحبان
انگریز هر یک بمراتب خود سرفراز شدند و مقرر شد که سی و سه لکه روپیه نذرانه سال بسال
به بندگان اعلی رسانیده باشند بعد از آن بادشاه جم جاه از آنجا کوچ کرده در صوبه الهاباد
نهضت فرمودند و شجاع الدوله پسر صفدر جنگ را منصب وزارت داده منیر الدوله را
نایب ساختند تا هفده سال جلوس در الهاباد رونق افزا بودند بعد از ان بسمت دار الخلافت
شاهجهان آباد کوچ نموده بر تخت جلوه گر شدند و بعد از فوت شجاع الدوله پسرش
آصف الدوله بمنصب وزارت سرفراز شدند و مرزا نجف خان را بخدمت امیر الامرائی و صوبه
اکبرآباد و شاهجهان آباد و نواحی آن و غیره قلاع کثیره از دست جات و روهیله به تسخیر در
آوردند و بعد از فوت مرزا نجف خان محمد شفیع خان خلعت بخشیگری پوشیده و با نثار افراسیاب خان
گزند

[illegible] بدین سبب آنها بمال دنیت او نیز بقتل رسید

[illegible] ملازمت حاصل نموده نجد

[illegible] با محمد بیگ خان همدانی بارها

[illegible] با سیندهیا جنگ [illegible] شد و اسمعیل بیگ برادرزاده خود

[illegible] سیندهیا مذکور را شکستها داده بطرف [illegible] اخراج نموده اکبرآباد را بتصرف

درآورده و غلام قادر خان با اقوام خود در غوث گده استقلال تمام پیدا نموده بر فا[illegible]

اسمعیل بیگ از طرف شاهجهان آباد رفته بادشاه را خلع نموده مکحول ساخت و

بیدار بخت پسر احمد شاه را بر تخت [illegible] بادشاه گردانید و سیندهیا

از دکهن آمده اکبرآباد را متصرف نموده [illegible] از استماع این خبر بیدار بخت را

از شاهجهان آباد برآورده [illegible] متحصن شد و افواج سیندهیا [illegible] را محاصره

نموده بعد چندی غلام قادر خان را [illegible] نموده با قبیح وجهی بکشتند و بیدار بخت را

[illegible] بادشاه بعد چندی باز بر تخت دهلی [illegible]

[illegible] و اسمعیل بیگ خان در [illegible] بتصرف [illegible] کرده [illegible]

میرزا جوان بخت قبل از مکحول شدند پدر خود در شهر محمدآباد عرف بنارس
مفارقت داد در سنه ۳۰ جلوس از قضای الهی جان بجان آفرین سپرد

تمت تمام شد احوال مجملی تیموریه بتاریخ هفتم روز

شهر رجب سنه ۱۲۳۱ هجری بخط فقیر سراپا تقصیر امیدوار

عفو از پروردگار خود سید عسکری خان الحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

نسخه [illegible]

[illegible] کلونجی [illegible]

این همه ادویه [illegible]

[illegible]

در سرما نه ذنبه

[illegible]

[illegible]







